

# نقد اقلام

مروری بر نخستین نقد مطبوعاتی بر «کتابخانه مجلس»

نمی‌بایست کتابخانه نامید؛ زیرا چیزی که در آن جا وجود نداشت، کتاب بوده است و در حقیقت یک قرائت‌خانه بود که مردم برای مطالعه روزنامه‌های یومیه بدان جا می‌رفتند.... ولی نمی‌دانم به چه مناسبت وزارت معارف از آزادی [ای] که مردم در ورود بدان داشتند، پشیمان شده و می‌خواهد آن را محدود کند؟....

کتابخانه دیگر که می‌توان گفت فعلاً مهمترین کتابخانه‌های ایران است، کتابخانه مجلس شورای ملی است، ولی این کتابخانه دارای ترتیب عجیبی است که گویا مخصوصاً برای منع از ورود مردم وضع شده است. اولاً وجود کتابخانه در انتهای عمارت مجلس شورای ملی سبب شده است که هیچ کس بدان جا نرود، غیر از اشخاصی که به یک مناسبتی سابقه آمد و رفت با مجلس شورای ملی داشته باشند. دیگر شروطی است که نظامنامه برای ورود اشخاص بدان جا [وضع] کرده و به موجب آن غیر از اشخاص محدودی نمی‌توانند از آن استفاده کنند، مضحک‌تر از همه قیدی است که راجع به کتب خطی موجود است و آن این است که هیچ کس حق استنساخ کتب خطی یا نقل از آن [را] ندارد و دلیل آقایان هم این است که چون نسخه همان کتاب، در شهر متعدد می‌شود، از قیمت آن کاسته خواهد شد! بد دلیلی نیست؛ بنابراین باید هر کسی یک کتاب قدیم غیر مطبوعی به دست آورد، از طبع و انتشار آن جلوگیری کند، زیرا که قطعاً از قیمت آن کاسته خواهد شد. به عقیده ما اگر متصدیان اداره کتابخانه مجلس شورای ملی این نظر را داشته باشند، بهتر این است که به جای کتاب، جواهر بخرند و چقدر خوب است که در قیمت آنها دقت کامل شده و مخصوصاً جواهرات قیمتی خریداری شود که به طول مدت بر قیمت آنها افزوده گردد. خریدن جواهر فایده دیگری هم دارد و آن این است که نگاهداری آنها مستلزم مخارج زیادی نیست و رئیسی که در

در صبح روز پنجم آبان ماه ۱۳۰۸ هجری شمسی، در صفحه اول یکی از جنجالی‌ترین و با نفوذترین روزنامه‌های دست راستی وقت تهران، جریده یومیه «اقدام»، مقاله‌ای تحت عنوان «کتابخانه‌های عمومی» درج شده بود. این روزنامه که از مخالفان سرسخت اعطای امتیاز نفت به روس‌ها و از مبارزان قلمی در جبهه مخالف متفقین در جریان جنگ دوم جهانی بود، ترکشی نیز به سوی دو کتابخانه مهم آن زمان یعنی کتابخانه مجلس و کتابخانه معارف رها نمود. شاید طرح مقاله مذکور از این روزنامه تندروی سیاسی عضو جبهه آزادی که به قلم ع-ف مرقوم گردیده در بردارنده نکات قابل توجهی برای مراجعان و کتابداران کتابخانه مجلس باشد. شایسته دیدیم قبل از آن که این مطلب در لایه لایه اوراق مکتوب تاریخ گم گردد، یک بار دیگر فرصت ارائه یابد و مقایسه‌ای میان خواسته‌ها و نیازهای مراجعان به کتابخانه در هفتاد و چند سال پیش و مراجعان فعلی کتابخانه انجام پذیرد.

گرچه بعدها نقدی در مجله توفیق با عنوان طنزآمیز «کتابخانه مجلس» و نیز نقدهای دیگری در مطبوعات به چاپ رسید، اما این نقد، نخستین نقد مبسوط بر کتابخانه مجلس در مطبوعات است. متن این نقد با اندکی تلخیص به قرار زیر است:

«گمانم هیچ محتاج به دلیل و برهان نباشد که یکی از وسایل مهم تنویر افکار یک جامعه، انتشار فوق‌العاده مطبوعات است و بدون شبهه فایده کتاب اگر چه محدودتر از جراید و مجلات است، ولی تأثیرش خیلی بیشتر است. متأسفانه هنوز در ایران یک کتابخانه‌ای که دارای کتب مفید و در دسترس عامه باشد وجود ندارد. کتابخانه‌ای که تاکنون آزادتر بوده و هر کس می‌توانسته است از آن استفاده کند، کتابخانه «معارف» بوده است، ولی این کتابخانه را تاکنون

# اقلام

مفاهات لاجزائی بلزلیک کا

النهاد خوری

مکتبہ - جہت طرز آہن پز

ت ک ۳۵۰ ہزار تریس در ات

لند

ماه صدو شصت یا دویست تومان حقوق بگیرد لازم ندارد؛ و الا اگر مقصود ترویج علم و تسهیل مطالعه برای مردم باشد، البته با این ترتیب ابدأ برآورده نخواهد شد. یک عیب و نقصان دیگری که در این کتابخانه موجود است، این است که وقت آن کاملاً با اوقات اداری موافق است. معلوم است که طبقه تحصیل کرده طهران، عموماً مستخدم دولت می‌باشند، در صورتی که اوقات کتابخانه‌ها با اوقات اداری یکی باشد، کسی نمی‌تواند از آن استفاده کند. وقت کتابخانه‌ها عموماً باید از یک به غروب تا چهار از شب رفته باشد تا کتابخانه موضوع پیدا کند. مانع بزرگتری نیز در کتابخانه مجلس برای مطالعه اشخاص موجود است که ما فعلاً از ذکر آن در می‌گذریم و معتقدیم که باید مباشرین در نظامنامه کتابخانه تجدید نظر کرده و تسهیلاتی برای ورود بدان جا قائل شوند...

نقد فوق که در تاریخ ۷۸ ساله کتابخانه مجلس نخستین نقد این کتابخانه محسوب می‌شود، به نکات مهمی اشاره دارد که برخی از آن‌ها هنوز از معضلات مراجعان به کتابخانه مجلس می‌باشد و برای مسئولان کتابخانه جای اندکی تأمل است:

۱. عنوان «کتابخانه عمومی» در تیتراژ، اشاره به عمومی بودن کتابخانه مجلس دارد؛ زمانی که در طهران فقط به اندازه انگلستان یک دست کتابخانه دایر بود و تازه هشت سال پس از این نقد (در سال ۱۳۱۶ شمسی) مقدمات تاسیس کتابخانه ملی فراهم شده بود، مأمّن و امید مردم در طهران، کتابخانه مجلس بود و آن را کتابخانه عمومی و ملی می‌شمردند که هنوز هم، علی‌رغم اعتقاد برخی کتابداران کتابخانه مبنی بر تخصصی بودن آن، چنین تصویری بر ذهن مراجعان حاکم است.
۲. مکان کتابخانه مجلس، که در آن زمان در قلب یک مرکز سیاسی - امنیتی قرار داشت، امید دسترسی عامه مردم به منابع آن را دشوار می‌ساخت و موانع رشد کتابخانه بود.
۳. نظامنامه ورود اشخاص به کتابخانه و نحوه استفاده از کتب خطی و چاپی در آن زمان، نشان دهنده انحصار استفاده از کتابخانه برای افرادی خاص بود و اقشار مردم سعی در شکست این انحصار داشتند. البته اینک با ایجاد واحد فیلموتیک در کتابخانه و گرفتن عکس از نسخه‌های خطی و ارائه پربنت به محقق، موانع موجود در استفاده از نسخ خطی به حداقل رسیده است.
۴. وقت محدود استفاده از کتابخانه و این که ساعات کاری کتابخانه با ساعات کاری مردم منطبق بود و مردم نمی‌توانستند در ساعات فراغت، مثلاً عصرها و ایام تعطیل از کتابخانه استفاده کنند، از معطلاتی است که هنوز راه حلی برای آن اندیشیده نشده است، در حالی که در کشورهای پیشرفته، شبانه روزی کردن کتابخانه در ایام کاری و تعطیلات در دستور کار قرار دارد.

۱. در این زمینه مدیران کتابخانه تمهیداتی اندیشیده و ساعات بهره‌گیری از کتابخانه را تا ساعت ۲۱/۳۰ شب قرار داده‌اند.

کتابخانه‌های عمومی  
 کدام چیز محتاج بدلیل و برهان باشد که  
 یکی از وسایل مهم ترویج الکار یک برهان  
 از برای ترویج الکاره. معارفات است و بدون ترویج  
 در ایران این کتابخانه‌های عمومی که  
 در دسترس عامه باشد وجود ندارد و کتابخانه‌ای که

کتابخانه‌های عمومی

کتابخانه‌های عمومی در ایران، به عنوان یکی از وسایل مهم ترویج الکار یک برهان، از برای ترویج الکاره، معارفات است و بدون ترویج در ایران این کتابخانه‌های عمومی که در دسترس عامه باشد وجود ندارد و کتابخانه‌ای که...

تاریخ اقلیتان

تاریخ اقلیتان در ایران، به عنوان یکی از وسایل مهم ترویج الکار یک برهان، از برای ترویج الکاره، معارفات است و بدون ترویج در ایران این کتابخانه‌های عمومی که در دسترس عامه باشد وجود ندارد و کتابخانه‌ای که...

کتابخانه‌های عمومی

کتابخانه‌های عمومی در ایران، به عنوان یکی از وسایل مهم ترویج الکار یک برهان، از برای ترویج الکاره، معارفات است و بدون ترویج در ایران این کتابخانه‌های عمومی که در دسترس عامه باشد وجود ندارد و کتابخانه‌ای که...

کتابخانه‌های عمومی